

هموطنان مبارز!
سال گذشته بیشتر انقلابی خلق ما سر میس بدوخت و قه
بیشتر رفت، سال آتی را با ایمان به او جگر بیشتر این
جبهه آغاز میکنیم
نوروز را نه پیروز!

درباره انتخابات مجلس شورای ملی

مژارشی از شرکت مخابرات ایران:

قطع وابستگی یا ترمیم وابستگی

این شرکت در سطح ایران حدود ۳۰۰۰۰۰ هزار کارمند و کارگر دارد. از این تعداد حدود ۱۴۰۰۰ نفر در تهران فعالیت می نمایند و از این تعداد دیگر در تهران هستند حدود ۱۰۰ هزار نفر در شهرستانهای دارای وقتی و چهار هزار نفر بصورت کارکنان استخدام رسمی و سبه ای میباشند.

شرکت مخابرات در سال ۵۱ با انحلال شرکتها می تلفن ایران تا سنین گردید. شرکت تلفن در زمان نخست وزیری دکتر محمد مددی ملی شده و تا قبل از آن بصورت یک شرکت خصوصی اداره میشد. توسعه شرکت تلفن ایران در افراترین راه سرمایه داری وابسته و فترت و وکرات جهت دریافت وامهای گران از موسسات اعتباری دنیا و از جمله بانک جهانی بوده که عملاً برای تبدیل به اهداف شخصی خودشان بکار رفته است، بانک جهانی بقیه در صفحه ۲

دستگیری کاندیدای انقلابی آبادان
تقلب در سر صند و قها
باز هم درباره حزب جمهوری اسلامی
و کاندیدا هایش ...

صفحه ۸ و ۹

جنایت هولناک ترکمن صحرا این بار در بلوچستان تکرار شد!!

ترور ناجوانمردانه دکتر رحمت الله حسین بر

صفحه ۶

شکوه همبستگی کارگران مبارز چینی ایرانا و توطئه عوامل ارتجاع

صفحه ۳

یاد کارل مارکس پرچمدار سوسیالیسم علمی
وراهنمای زندگی نوین برای انسان گرامی باد!



۱۲ دسامبر (۲۳ اسفند) ایرات با تود و همسایان کرد در کست کارل مارکس.
ما در شماره آینده مقاله ای به این مناسبت درج خواهیم کرد.

دومین میتینگ انتخاباتی
سازمان چگونه برگزار شد؟

موضع ما در قبال خلع سلاح نیروهای انقلابی

روز دوشنبه ۵۸/۱۲/۲۰ دومین میتینگ انتخاباتی سازمان در سالن ورزش دانشگاه پلی تکنیک تهران برگزار شد که در آن هزاران نفر از مردم مبارز تهران شرکت کرده بودند. در آغاز مراسم سرود انترنا سونال خوانده شد. حاضرین با مشت های گره کرده بیاغواستند و این سرود بین المللی کارگران را گوش دادند.

اولین سخنران

رفیق علی عدالت فام نماینده کارگران بیکار تهران و کاندیدای کارگران ساختمانی از تهران اولین سخنران مراسم بود. او ابتدا خود را معرفی کرده و از زندگی خود از گذشته خودش گفت. سرگذشت زندگی او سرگذشت میلیون ها کارگر ایرانی بود، که برورده رنج و سختی اند! او پس به وضع جامعه ایران را شرح داد و توضیح داد که چگونه موهبتهای سازشکار به قدرت رسیدند و زمینکنان به خواست های اساسی خود نرسیدند. در مورد انتخابات و دموکراسی جعلی و فریبکارانه او گفت که انتخابات آزاد و سراسری معنای او را مثال زاده ای توضیح داد که چگونه برای تبلیغ کاندیدا می خود به روزنامه مراجعه کرده و پول مورد درخواست روزنامه را نداده اند و در حالیکه برای یک کاندیدای شروتمند این نوع تبلیغات هیچ کاری ندارد.

او پس به وضع کارگران بیکار را اشاره کرد و از مبارزات آنها و فشارها که بر بقیه در صفحه ۲

گرامی باد ۲۹ اسفند

سالگرد ملی شدن صنعت نفت

ملی شدن صنعت نفت یکی از دستاوردهای بزرگ خلق ماست

دولت ایران در مقابل دریافت ۲۰ هزار لیره استرلینگ حاضر شد که اداره همه گمرکات کشور را تا مدت ۲۰ سال به "ویتر" واگذار کند و نیز متعهد گردید که در آینده امتیاز تشکیل بانکها و ساختمان راههای شوسه، خطوط تلگرافی و فابریک و کارخانها و غیره را در نوبت اول به او بدهد.

صفحه ۱۹

درباره "رفرم ارضی" هیئت حاکمه

• بسیاری از زمینداران بزرگ که تا آخرین لحظات عمر رژیم شاه پشتیبان آن بودند، پس از قیام تغییر ظاهر داده و در پوشش حمایت از انقلاب اسلامی در بسیاری از نقاط کشور کوشیدند نه تنها زمینهای خود را حفظ نمایند، بلکه بر زمینهای هفتاد و نیرست اندازی کرده و سپهر مالکانه دریافت کنند.

• در حالیکه پس از قیام جنبش دموکراتیک دهقانی برای مبارزه زمینهای زمینداران بزرگ، هر دو اوج تازه ای میگرفت، شورای انقلاب بعنوان نهاد قانون گذاری انقلاب اسلامی هزارگانه های با تصویب لایحی بنفع زمینداران بزرگ، جانب آنها را گرفته و توده های دهقانی را باجماع قانون تهدید می کرد.

صفحه ۷

مرگ برامپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران



شکوه همبستگی کارگران مبارز جینی ایرانا و توطئه عوامل ارتجاع

در تاریخ ۵۸/۱۲/۱۴ جدول سودووعیدی فستما را مختلف کارخانه جینی ایرانا نصب میشود. مدیر کارخانه "سرچی" و شورای کارخانه تصمیم گرفته بودند مبلغ ۱۱ میلیون تومان را بعنوان سود کارخانه به دولتست نموده و آنرا بصورت سودووعیدی پرداخت نمایند. (مبلغ با تندی برای نیمه دوم سال در نظر گرفته شده بود. کارگران این کارخانه که ۱۶۷۰ نفر میباشند مبلغ ۶/۵ میلیون تومان در نیمه اول سال از کارخانه نگرفته بودند) خشم کارگران کارخانه که در سرگردان و فقر و رنج و سختی همه را نیز محسوس میکردند با دیدن این جدول که برای هر کارگر در مجموع سودووعیدی ۶ هزار تومان در نظر گرفته شده بود، فروخته میشود. عمراً نیرو اعتراضات برانگیزه شروع می کرد. فردای آنروز این اعتراضات برانگیزه به علت حضور کارگران آگاه در کارخانه موج عظیمی بدل میشود. صبح روز ۵۸/۱۲/۱۵ کارگران آگاه همین محبت و انجام کار و فسخی با کارگران فستما را مختلف نظرات آنها را در مورد شروع اعتصاب جلب می نمایند. ساعت ۸/۵ اعتصاب از قسمت لمارب جینی (شماره ۱) آغاز گشته و با آوازه تونی کارگران این قسمت جرج شمه ها از حرکت باز می ایستند. صدای

اعتصاب کارگران کارخانه سایا (زنو- ژیان) و رسوایی شورای قلابی کارخانه

کارخانجات سایا از جمله واحدهای تولیدی است که توسط دولت "ملی" تده است. سهامداران این کارخانه فرانسویان و سرمایه داران وابسته داخلی بودند. کارخانه حدود ۴۰۰۰ میلیون تومان به فرانسه و همچنین مبلغ هنگفتی نیز به بانکهای داخلی بدهکار است. کار است (یعنی جمعیاً بیشتر از ارزش خود کارخانه) در حقیقت دولت جمهوری اسلامی این ۴۰۰ میلیون بدهی به فرانسه و همچنین بدهی به بانکهای داخلی را به اصطلاح ملی کرده است! اخیراً ۲۵۰۰ نفر کارگران این کارخانه که خود برای گرفتن سودویزه، بیشتر از سال قبل آماده کرده بودند، با کمال شجاعت و شادمانی هدهد کردند که سودویزه حدود ۵۰۰ هزار تومان نسبت به سال قبل کمتر شده است. کارگران بطور دسته جمعی با خشم فراوان بطرف شورای قلابی برای افتاده و شعار می دادند: "این عید به پس بودگو". نماینده دستان میبمد کارخانه (با واک دید کارخانه) و اعطای ششورای قلابی، کارگران را دعوت به جلسه کردند تا آنها را بفرستند، ولی کارگران هیچ اعتضادی به شورا و مدیریت نداشتند و همچنان به کمی مقدار گل سود اعتراض داشتند. کارگران معترض یک بیک پشت میکروفون قرار گرفته و با همکارانشان در دلد میگردند. کارگران را روز افزون از کاش قدرت خید کارگران، از گندن سود کارگران... حرف می دادند و دولت همه بشمارا توضیح می دادند. در پایان کارگران تصمیم گرفتند که شورا را به شوراها خود دست از اعتصاب بردارند. روز شنبه ۱۸ آبان که اعتصاب همچنان

آتش سوزی در کارخانه، توطئه جدید سرمایه داران

شماره ۱۳ "پیکان" نشریه عده ای از کارگران "ایران" تا سیونال در تاریخ ۵۸/۱۲/۱۴ منتشر شده است. در این شماره نشریه مطالبی در مورد آتش توطئه آتش سوزی در کارخانه، کشتار و خلق ترکمن، گزارش دربار و مبارزه کارگران شرکت "ایران" تا سیونال مشهد و نیز چند خبر کارگری درج شده. در زیر قسمت نشانی از یکی از مطالب این نشریه را نقل می کنیم:

همانطور که در شماره ۱۲ "پیکان" شماره ۱۲ توضیح داده بودیم، عوامل مدیریت کارخانه برای منحرف کردن ذهن کارگران از سودویزه و سرکوب اعتصاب کارگران، اتفاق رنگ کارخانه را به آتش کشیدند... در جریان آتش سوزی و بعد از آن از طرف مدیریت، شورا، سندیکا و عوامل آنها سعی میشد آتش سوزی را مدبران و کارکنان آنجا اتفاق افتاده بود، طوط دهند. آنها برای خاموش کردن آتش، هلیکوپتر و حدود ۵۰ ماشین آتش نشانی آوردند. در مورد رشقه و افسار برای خاموش کردن آتش به این همه و اشل احتیاج نبود. از طرف دیگر یکی از کارکنان آتش نشانی کارخانه (ابراهیم متقی) بنا به گفته همکارانش بعد از شنیدن خبر آتش سوزی، سگته کرده و بنا به سفارعت می کند. اما عوامل مدیریت برای بزرگ کردن موضوع آتش سوزی تابع میکنند که ابراهیم متقی در جریان خاموش کردن آتش کشته شده است. آنها همچنین تیغیت بعد از اظهار به منظور بزرگ کردن موضوع تعطیل

کارگران مبارز برای ششمین بار شورای قلابی کارخانه را منحل کردند

شورا با کذب و دروغ قطعنامه ای انحلال آنرا اعلام کردند. اعلامیه را مابین کارگران از این شورا، از همان ماه دوم و منتهی به شروع به سرگردان خواست اصلی کارگران با کزاری شرکت از عناصر و یکی و طرفداران و همچنین با شین آوردن حقوق مهندسین و سرپرست و افزایش حقوق کارگران بود. اما این امر با مقاومت و کارگرانی های شورا روبرو گردید، به نحوی که علیرغم فشار اکثریتی کارگران برای با کزاری و تصفیه شرکت و با شین آوردن حقوق های کلان مهندسین و مدیران مل (مدیرعامل) حدود ۲۴ هزار تومان حقوق می گیرد. شورا با سهانه های گوناگون از انجام این خواست حقه کارگران خودداری کرد. همچنین شورا به سایر خواستهای کارگران که بصورت یکمباردهای از طرف آنها مطرح می شد، مانند افزایش دستمزد کارگران جدید، پرداخت سود ماه اول به کارگران جدید و... اعتنا نداشت. تا اینکه جسد کارگران مبارز را با شین خود را در یکی از محاسبات عمومی شورا مطرح نموده و سروری خواستهای کارگران بای فشرده، و خواستار تصفیه عناصر مربوط اردرون شورا شدند. چند روز بعد، عناصر و کارکنان کارخانه که با کمیته هم در ارتباط می باشند، شروع به دسیسه جینی و توطئه علیه کارگران نموده و روز چهارشنبه دوم آبان که یک نفر از کارگران مبارز را

تنها ۴۰ ساعت کار در هفته - ایرانشهر -

کارگران مبارز کارخانجات ایرانشهر (با تمل بلوچ) خود را پنجشنبه ها را تعطیل نموده و اعلام داشتند که در هفته ۴۰ ساعت کار خواهند کرد. در دیر کارگران، با زوان اصلی و بر قدرت هر انقلاب

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

از طرف دیگر کارگران می‌توانند برای به
علاج درآمدن خواسته‌هایشان تضمین کافی
ندادند (اگرچه قول آن داده شده بود) و گروه‌های
دیگر همچنان در اختیار خود می‌گیرند و حدود
پنج تا شصت نفر از کارگران می‌توانند از آنها
بهره‌مندی کنند.

برادران کا رگڑا

(*) - این خبر در صفحه ۳ همین شماره بیکار
رج شده است.

هم اکنون حدود ۶۵ نفر از کارگران را
خارج از ۱۵۰ نفر در زندان سرمیرنده حرکت
کارگران را طاعون به شکست اجرا میدهد. اما پس
از سه هفته، سرمیرنده است کارگران را زندان به چشم
خود دیده اند که چگونه به سادار با صلاح انقلاب
به حمایت از مدیریت کارگران در مبارزات
از حمایت از طغیان و شورشهای از دولت است
برخ کارگران را دستگیر و خارج نمودند.
از آنها چشم خود دیده اند که رژیم جمهوری
اسلامی اعدا دارد که پشتیبان مستضعفان است
برای منافع و منافع و منافع و منافع و منافع
در خطر منافع و منافع و منافع و منافع و منافع
در خطر منافع و منافع و منافع و منافع و منافع

۱- در طول اعصاب و کروکامپری علیرغم وجود ریه‌های تراشی فوق العاده‌ای در کریک و شکست فاشی در حریمات آن در آنجا که کریک به ریه‌های متشکل و سازمان یافته از طرف ریه‌ها کارگزاران مغنایی موجود در کارخانه موجودند به سود کارهایی برآمده و خودکفا پیش می‌رفت. ۲- علیرغم وجود مواد و شرایط بی‌شماری برای تولید و پرورش ساسی کارگران در این کشور و سبب فقدان آن نیروی ساسی در کارگاه کارگران آن کشورها به هرمانند. ۳- مذاکرات شما بیندگان کارگران اعصابی شما بیندگان دولت ساسی و یا ایندگان اکثریت اعیان اکثریت کارگران اجتماع می‌گرفتند فقط تعدادی از کارگران که به ساسی ازاری این کارها مشغول بودند در میان سختی از این مذاکرات قرار می‌گرفتند و به ترتیب کارگران در جریان دقتی و زمین این مذاکرات قرار می‌گرفتند تا به ساسی به سبب مشاغل خود ارتقا دهند و در مقابل به ساسی خود را به ساسی دهند.

٥٨/١٣/١٧ جمعه

آیت الله عرفانی سرپرست کمیته ۸، مسئول کار
اما همان گونه که ملاحظه گردید، تمام این افعال
اعتبار کارگران سرکوب می شود.

[illegible][illegible][illegible]

بنا به خواست کارگران این قطعه نامه
ماده ای به تصویب مدیر کارخانه و آقای شورا
کارگران می‌بودند نیز میسر شد، در ضمن کارگر-
ان موفق می‌شوند یک کج ۱۲/۵ میلیون
تومان را جهت پرداخت علی الحساب سود از
مدیرعامل بگیرند (قبلاً قرار شده بود که
حما مبلغ ۱۱/۵ میلیون شود و
بعداً مدیر کارگران پرداخت شود).

عمران روزنیز کارگران اخراجی به سر
کار خود برمیگرداند. این دومین پیروزی
کارگران است.

اگرچه تا شید فطنت ما از طرف آخوندی
پاینده کمته و مرقاً بمخاور فروکش گردد
نشین درگاه را نه و سپس سرکوب آن انجام
نمیکرد. ولی استکار کبر و زوها را برای
و اگر آن بدنام داشت نتیجه عکس میدهد و
بوجب با لافتن روحیه انقلابی انسان و
گاهی با فتن بیشتر از کوه همسنگی و تشکل
شده.

■ سَقَوُ

صبح روز یکشنبه ۵۸/۱۲/۱۹ مصیبتی که از جانب حزب دمکرات منظور معرفی کا ندی‌ها به‌شکل می‌گردد، در طی این برنا مه دیدگرک این حزب دمکرات فوئوین‌خترانی گندوسپس شوالاتی از جانب حاضرین در گندوسپس عنوان شد و در اواخر این باخ-گوئی به‌آنها ساعت ۳ بعد از ظهر همان روز دریا ن کا و گردا دیند. بعد از این برنا مه صبح جمعی از حاضرین در مصیبتک شمارا شی علیه با زنگاری در اواخر ا هیما شی مبتنا بند، بعد از ظهر همان روز مصیبتک برگزار می-شود، قبل از شروع برنا مه فوئوین‌خترانی حاکم بوده، بصورت برانگند شمارا شی علیه با زنگاری عنوان می‌شود: پس از شروع برنا مه رانی با فلفلتی از جانب حاضرین سبوت - به‌ختران می‌شود، اما این کا فلفلتی منجر به متنتج ترشدن ا و ا ع گشته و موجب می‌گردد که مردم خرتک گندنه مصیبتک اثر ک کنند. در این ا و ا بعضی از عا ر مزب دمکرات بطرز غیر ا و ا میانی لاجا با ن ان متوجه مردم گندنه در اینجا لامت گفته‌شده که حرکات ان دشته از عا ر متنتج می‌شولی که کسی درهم خورد نمیشود. مصیبتک در ختیر می‌شود و مردم دست و ساز کا را نیز با دشه‌خود می‌شود دست و



ترور ناجوانمردانه دکتر رحمت الله حسین بُر

کشتار با تانک و هواپیما و تروریسم دولتی، زیر
برداهای "فدا آمریکا" یا "بیست سیاست
قومی رژیم، بیست عملکرد با داران فد
نقلاب!

دکتر رحمت الله حسین سرکه تواتر است بطرز
سرت اسکی از این ترور و هوا نمردا نه
ان سالم بدرسد، اما حوای ترور خود را چنین
وصف میکند:

“صبح ساعت ۶/۵ از مهاباد سرا به قزوین
ارخه به سمت بلوچ‌آباد گام می‌خورم. شدم.
می‌خواستم تا بالایی سطحی درکتان بگذراند
بسیار دانه‌ها را برچیده‌ام و راستی آن را بکود
بدهم. بعد، بطوری ما بشیر را گرفتند و از زمین
روان کردند. او را تا کارخانه می‌بردند. سوار
شدیم. راننده‌اش را فهمیدم که بله افغان‌ها به
اندوایس را می‌برند. جواب به مثبت می‌سود.
بعد پس از سیاحت می‌کنی گفت: “کار دارم
بکنم.” از راه‌آباد به دوشنبه می‌رسد.” سو
چیز حسن برهنه؟ گفت: “ای، بلامانع است.”
بله گفتی. مهاباد را تا رنگ بیرون کشید و
بعد کرد که گران خور و کوفته را می‌برد
زند. از این‌ها سوئیل می‌دهد که یک
تا این حبیب و انت (سمرق) به زمین ما
انتخاب می‌کنند. کی تا ن دورتر از
استغیا ای سوا نه‌دو. بعد می‌لکه که بعد
بعد در شهر شمس به یاد آن را برانهر

بوده است، ضمن اشاره به ماشین عقی گفت: «تا هم می‌گذرد، می‌آید تا تجدیدون انداختن مرا از ما بی‌دانشه‌ای.»^{۱۰}

به کارخانه نزدیک شدم. او گفت: «می‌کنی به کارگران و نگهبانان هم دور، علامتی بدهی وگرنه گشته خواهی شد.» درعین حال به سوی سیمرگ گریه‌ت سرما بود. موفقی که در کارخانه زدم، پوری از دست راست من سبقت گرفت که اگر کسی مقابل در کارخانه باشد، هنوز دانش من می‌رسید و اجابت آن سبقت می‌گرفت. این‌ها را می‌دانستم که اگر به کارخانه می‌روم، آن‌ها را می‌دانند که من می‌روم. اما آن‌ها را نمی‌دانستم!



دکتر رحمت الله حسین بر روی تخت بیمارستان
حای کلوله زیر چشم او دیده می شود.

ترو ر ناجوانمردانه دکتر رحمت الله حسين بر،
جدا از حرکتهاي ضد خلقي هيئت حاکمه در
کردستان، گند و ... نيست!

مطالب زیر قسمتها می‌باشد از اعلامیه مورخ ۵۸/۱۲/۲۲ "اتحاد محمکتگان بلوچ" و "نبرد بلوچ" است که در رابطه با ترور حوا نمردانه دکتر حسین بر منتشر شده است.

کارگری که درهما نرای بافت بلوچ
کارمیکند میگوید: «من زودبازی و گشتگر
شماره نبودم، مثل هوشیار من سرخوگی
داشت، اخروا فعاً اندرهما نزدیک بودگی
بختی موقعی با دمان مفرقت که حسین بر
دکتر است و ورشیا با من، کارمیکند با عیبت
۶/۵ بودگی میفری حامل ۴ با سدا و دندمد
همان سرا و ساغ یکی از همدمین شرکت را
گرفتند، در همین موقع دکتر از ورشیا -
با سدا خارج شده و سدا را عیبت دوسرا افتاد
با سدا را بدون اینکه دیگر حرفی از
همین سدا سرده یزنتند و سدا ل دکتر سدا
افساندا اینه که خندیدم دکتر را سرگردا سدا

شخص دیگری میگوید: «دو نعل حاده - ایگه از هم جدا نمی آید و دو پا حاده ایرانیشهر - بمیسورول میفتد، شخصی با لباسا سبیلوچی ایستاده و بدو دوتست کند و در گذرگاه عادت همیشه ایستاده و سوارش کرد و ما دیدیم که سیمرغی هفت پست بر ما شن دکتر میروند هر یک از ما علیه آن را با ما شن دکتر کمتر میگردان تا اینکه بگردد...»

شخص دیگری بقیه هر را با راجنس تعریف می کند: «را نده ای دکتر را بهیما رستان آورد هنوز هیچ کار خیر نشده و بهیما سرگشته و گریه می کرد «فرا الدین» پیدا شد و کوا را پیش خیرا داشت که «فرا» چنین نوشته ای در کرات است، «فرا» - «فرا» الدین محض ورود و دمو حمله را با شن داشت افرادی قرار گرفت که در محوطه بهیما رستان را بنودنی با سوا رفتگی می آید رانقلابه طسه بهیما رستان را ترک کرد، او سیدان دولی را فرا الدین هر روز در حلقه در سوا رستان و

ما لى اذى باغ بلوچ سمنوان لانه فدا نام
ميسرو دوما كركران و كاركشان باغ بلوچ
را كمونيتى موملى ميكرود مردم را برعليه
ايمان تحريك مينمود، او همگرا مى ايسن
منطقه عقبى افندا دهر زهرنگه كاش كفش را
يكندى، چندان مثال دكتر "صين سر" را
دا رسپكه نام مولوى رستم و عوفدور و حش
با چنين برعليه اش تبليغ ميكرود، آسا
و افعا كسى نيست كه در اين كتاب كويده نو
كه چندين بار در اين منطقه بويى بى ارى
مردم كاركردى مگر مغروران بى بوده گه
بولهاى با او كاسم بارازى مساعد در
مى براز بر مينود با بويى در بار را مى
كردى ؟ مگر بيارا بى بوده گه حش دره سين
رزمه مدنى دلا بيلم ۵۰۰۰ تومان در
اخبارت كذاشتا بر ايشان با جمع اورى
كنى؟ و توهم و قبحا دهر را دوا بر نشهر
بقعه در ۱۵

۵۷۱۷
۱۵
۵۷۱۷
۵۷۱۷

وزارت کشور
استادای جهان در پستان

آقای سرکار
سلام بر شما
طریق دوستی را لازم است
خود را در میان
تحت نظر
تجربه را
از شما

این سند نشان میدهد که حسن سرافراشته است
چرا که مورد نیاز خواست و نهادهای ارگرفته است

حق تعیین سرفروشت، حق مسلم خلقهاست

در انقلاب بدنبال سازش با ارتجاع و سرکوب جنبش انقلابی، توده‌ای بود.

در اطلاعات تاریخی شاهنشاهی ساسانی، پوروزی ملی به طرح شمار «آری» و «بخت» توری می‌گفتند که «سپهر» لشکرها را خود می‌شمارد. توری نام دیگری است که بهشت یا خدای پادشاه می‌گفتند که بهشت را می‌شمارد. بهشت به میراث می‌گفتند که بهشت را می‌شمارد.

مستنداری بوده است. بوروزواری تحاری در آن
لیگکده معانی حالات تحاری و ربیاضی استخصال
نموده، در همان حال از غریبه تصرف زمین
بهره دگنی فتوداری نموداری و نامیه فتوداری نیمه
برنامه داری دهانان نیز غافل نمی ماند،
بی سوزواری به دلیل فقدان رتبه مستثنی
شیرا نوست به بارزه غلامه نامیه مناسبات
فتوداری بر خیزد و دستا فرغمه تحاری در نظام
فتوداری تا جاشیکه گردش سرمایه اش را بدور
ز قلدری، با جگیزی و راه بندی ارباب فتو -
تو تا بین نماید، نامیه افشاری نامیه سوزواری
نمود، به همین دلیل است که محلیس سوزواری

سیاری از زمینداران بزرگ که تا آخرین لحظه ایام تغییر ظاهری داده و در پوشش حمایت از نوشتند نه تنها زمینهای خود را حفظ نماندند، بلکه بهر مالکانه دریافت کنند.

لی پس از مشروطیت، ترکیب غالب ملاک-
پروازی است. پس بدکذا نش تنها بهو نظام
طاع دارای قناتت وورید. پروورازی ملی
بران هیچگاه مدامایا ساسات فتودالی
نرخاست. دکترمدف دراینصاف تونوسی اش
پروورستله را میفریافه چنانکه سپهره افک
اکتفا وورید وفت آزادی ایران ریماده
پومرمانه به خودتنها خواغان ایجساد
روایت "دالافنه" میمالک ووراز وگرتندو.
پرواز ظالمانه درایب. رعیتی دراکمال
مذهبی نیزکهبرخی منسککننده منافع بخش
مشتی پروورازی تجاری وخرید پروورازی میده
مشتی است منسک شده است. مثلا درواسه
المائل آیت الله عینی مزارعه
میعوان یک قرا درامتورع سن مالک
نشدوا حکام آن بیان شده است.
سنه ۱۲۹۹ درایب شروپ مزارعه میگوید :
شروپ سوما بکنه همال زمین یکی انحصار
دادهود. همچنین درسنه ۱۳۳۱ گفته می-
شود "گرمدت مرا عوامتا میوچوا که بدست
بیاید، چنانچه مالک را می نوکده مال جازوا بدون
مزارعه در زمین اوسا دندوا ورم هم
ایمی باشد میا ندو، ورا کمال را راضی
نمودمی توانند ورا را وادارکنده کزراعت
ایجساد وگرواری چیدن راضی به
پرسیدان ومنت عوفی آریا ایدید
لی راز اگرهوا می نوکده مالک جبری
دهد، نمی تواند مالک را جبرورکند
که در زمین ساند.

ارادان بزرگ، غارت دهقانان بویسلده
برداختن اساق زبمن، غارت دهقانان به
سیرامه به یاری (چشمی غول دوتلی)
ایندمال داشت (۱). نویزه انکده استگی
تصادی ز ربهه میربالا سورداد، دات فرا-
محمولات کاوروزی، تمسین قیمت های
نخاری برای خرید محصولات کاوروزا، فروش
کارهای موردنیاز دهقانان، قیمت های
نخاری کاوروزی دهقانان مارا هر روز
تشریه به یاری سوق داد.

در جریان اطلاعات ارفعی، ما لکین با
نوع اردویندها و اعمال نفوذ در سنگا
دارای نوع مستند ملاک مربوط و تفسیری را
فرای خودیگذاشته و در دستن ما به همان
بویه های عقب ما نهاده است. استناد دهقانان
بر دارند. در سالهای اخیر بسیاری از رما
رشت، سوروگرها و زمین خوار ای که کدر
سنگا دولتی نفوذ داشتند، با تصرف ارفعی
دهقانان (که قسمتی از آنها در جریان اصلاحات
ارفعی به آنان واگذار شده بود) به زور
با پشتیبانی نیروهای سرگوبکر به ایجاد
ارفعی وسیع مکانیزه و استناد دهقانان
به دست و کارگران روستایی پرداختند. از
دید دیگر دولتی مدعیان با بیرون راندن
نوعی ارفعه ارفعی از ارفعیان که در دربر
دها واقع بود. این ارفعی را به آنها سپرد
و بنا را از سر نو با عدم تأیید ارفعی و بر
فهرده که تقریباً معانی خاص میباشند ترک
های گشت و صنعت خارجی و سرمایه داران و اسبه
جاری داد. تشکیل سپاه ای رفعی نیز
بهمن ترتیب تشکیل می گردید. اس جبران
ما لکین که سوامای وحشتناک ترین سرگوب
و قلع و قمع دهقانان و آنگاه گد کردن
نوعی توده ها گان جز انجام می گرفتند
نوعهای خلق بدشده ها و اردویندها شدیدی
با سوروگرهای سرمایه داران ارفعی و اسبه
زمینداران بزرگ فرار داده و جل اس سر
بهده انقلاب دموکراتیک ضد امپریالیستی
دارد.

یکی از خصوصیات تاریخی سرورژوارت
بحاری ایران پیوند آن با فئودالیسم و



کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

در انتخابات مجلس شورای ملی هیئت حاکمه از چه میهراسد؟

سوءاستفاده‌های عوامل ارتجاع در جریان برگزاری انتخابات مجلس شورای ملی

گزارشات رسیده حاکی است که در اغلب

کاندیداهای سازمان در
سنندج و سقز به نفع "کومله"
کنار رفتند

برقرار با دهمینگی نیروهای انقلابی کمونیست
میشموی وحدت جنبش کمونیست

کاندیدای انقلابی و وحشت ارتجاع

سراوان
روزیگانه ۵۸/۱۲/۱۲ دوشن اراغسا
ستاد اشناختی علیبر ارحمانی به اراغسا
احمدی در دبیرستانهای سراوان
موسی باهی کارگاه اشناختی باغ
بر اشناختی باغ اراغسا
بازداشت و اراغسا
مربوط به ستاد دین توقیف شد
سراوان اراغسا
سراوان اراغسا

علامه نمود سبقت "ناامنی" و عدم وجود "آزادی"
برای انتخابات، در این شهرها نیز رای -

[illegible]

فنان ، مسکن ، آزادی

www.peykar.org

www.peykar.org

بنیاده ازمنحه ۲

دومین ...

است. بنی، صدرا زاین جهت که هنوز بسیاری مردم ما همچون عناصر دربرگیرنده حاکم و از جمله اعیان رهبری حزب جمهوری اسلامی افشاء شده، بهمان اندازه میتوانیم بفرمان کثرت با شد. از این جهت طرح این مسئله بسیاری بوده و افشای آن از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. مسئله خلق صلاح مسئله ای نیست که توسط بنی مدرو و روزوا مطرح شده باشد. مسئله خلق صلاح از همان فردای قیام توسط دادگاه های انقلابی مطرح شد. دادگاه های انقلاب مطرح کردند که تمام می مردم موظفند که صلاح ها شان را تحویل دادگاه های انقلاب بدهند و در صورت عدم استرداد صلاح به محاکمات حتی اعدام محکوم خواهند شد. گذریم که بنی مدرو با این باور هانوجهی نکردند و کسی بطبعاً تلاش را تحویل نداد. اما بنی مدرو هدف از این خلق صلاح چیست؟ این خلق صلاح چه هدفی را دنبال میکند؟ هدف خلق صلاح ضربه زدن و نابودی انقلاب است. این ضربه زدن طبعاً مدرو در اول از طریق ضربه زدن به کسب و کارها و سازمان های انقلابی، ارگان های سیاسی بوده ای و کانون های شعله و رو و توفند انقلاب است. اما بنی مدرو که دیدیم ارتجاع از همان فردای قیام به این گنا شوناه حمله ور شد. هنوز ۴ روز از قیام ۲۲ بهمن نگذشته بود که ارتجاع حمله خود را به کردستان شروع کرد. و در آنجا مواجی از آتش و خون بسراغ انداخت و مردم سی دفاع و رزمندگان خلق کرد را زیر آتش توپ و تانک قرار داد و با بسن در واقع عیدی هیئت حاکمه ما به مردم رزمندگان کرد بود. هنوز چند وقت دیگر گذشت که حمله ارتجاع به ترکمن و جوانان انقلابی را با خاک و گران کشید. این حملات در تمام نقاطی که کانون های گرم و شعله و انقلاب بود ادا می داشت. در ارومیه، در کردستان، در گریه، در فارس، در خوزستان، در میان گان ریاحات برای از بین بردن شورا های کارگری، در روستا ها برای میا زدن شورا های دهقانی و از بین بردن آنها و حتی در میان و از بین بردن شورا های نظامیان و از بین بردن نیروهای انقلابی ارتش. همینطور در مرداد ماه ۵۵ بود که ارتجاع حمله سراسری خود را به دفاع شورا های انقلابی و روزوا - تا بهای مترقی و انقلابی شروع کرد و این یک زمینه را از یک توطئه قبلی برای حمله به کردستان بود. ارتجاع برای حمله به کردستان در ابتدا نیاز به آن داشت که تمام روزنه ها و مطبوعات مترقی و انقلابی را که می توانستند نقش بسیار مهمی در افشای ارتجاع داشته باشند، از بین ببرد. این روش است ارتجاع. همواره خواستار تاریکی است. ارتجاع همواره خواستار تاریکی و توهما است. آگاه های دشمن ارتجاع است و ارتجاع دشمن آگاه های (جمعیت یکم) شامی دهد؛ آگاهی آگاهی دشمن ارتجاع ()، بدینال این حمله در زمانی که جنبش ما در حال اعتلا بود و هر روز مردم نسبت به ما هیئت حاکمه آگاه های بیشتری پیدا میکردند، حمله خود را به کردستان شروع کرد. حمله بسیار بگرفته و در این راه ارتجاع و هیئت حاکمه فدخلی از تمام امکانات تبلیغی ارتوهم خود، ها، از آنچه که برای مردم مقدس است یعنی مذهب استفاده کرد و خیل عظیمی از توده ها را که تا آنکه بودند نسبت به جریان های کردستان روانه کردستان کرد و آنها را در برابر خلق رزمندگان کرد قرار داد. و همانطور که دیدیم

ما نند جنگهای علمی حملات و حشانه را بر علیه خلق کرده شروع کردند و در این راه خلق رزمندگان کردشده ای فراوانی تقدیم انقلاب کرد. ولی در برابر حملات و حشانه ارتجاع خاموش نشد، تسلیم نشد و از این ناپستاد. در دوره خلق رزمندگان کرد (جمعیت نگار می کند: درود، درود، درود! خلق رزمندگان کرد را زب نکرد، تسلیم نشد، و همانطور که دیدیم ارتجاع که فکر میکرد در طول حتی ۲۴ ساعت میتوان د جنبش انقلابی خلق کرد را سرکوب نماید، دیدیم که ما هم با هم در این ورطه فروما ند و بعد از چند ماه ما هم تکت نظامی و سیاسی مفتاحا سه عقب نشست، شکست

- بنی صدرا زاین جهت که هنوز برای مردم ما همچون عناصر دربرگیرنده حاکم و ازمنحه اعضای رهبری حزب جمهوری اسلامی افشاء شده به همان اندازه میتوان خطرناک تر باشد.
- همانطور که دیدیم ارتجاع که فکر میکرد در طول حتی ۲۴ ساعت میتواند جنبش انقلابی خلق کرد را سرکوب نماید، دیدیم که ما هم با هم در این ورطه فروما ند و بعد از چند ماه ما هم تکت نظامی و سیاسی از آنجا متفحصانه خارج شد.
- حزب دمکرات همانطور که می دانید با پیشنهاد کردن ۶ ماده در برابر طرح ۲۶ ماده ای هیئت نمایندگی خلق کرد هشت سالین با ارتجاع است و این میتواند ضربه بسیار سیسار سنگینی به مبارزات خلق کرد بزند.

سیاسی از این جهت که برای توده های مردم ما هیئت افشاء شد. اما این عقب نشینی یک عقب نشینی تاکتیکی بود، یک عقب نشینی بود برای تدارک و حمله مجدد به خلق رزمندگان کرد. بنا بر این ارتجاع از این شکست در آن شرایط اگرچه ارتجاع در درون خود دارای تشاهاش بود، از نظر سیاسی این امکان برای او وجود نداشت که حمله خود را به کردستان و سایر مناطق شعله و انقلاب شروع کند ولی بعد از مدتی که تادی این تشاها حل نشد و ریزش نسبت تادی تشاها در خود را تشبیه میکند، همانطور که دیدیم این حمله را شروع کرد. حمله ابتدا به گندین بود، حملات و حشانه ای از طرف ارتش و سایر نهاد های غیر نظامی اما ادعای رژیم ما هیئت برای مردم آگاه ما روشن شد و در این راه تعداد بسیار زیادی از عظام رزمندگان گندین و خلق ترکمن به شهادت رسیدند. اما این حملات قطع نشد، ریفا، هم اکنون که ما اینجا ایستاده ام طبق اخباری که از طرف کمیته کردستان ما می رسیده و از طرف پیشمرگه های ما از کردستان، خبر از توطئه ای از طرف رژیم می ده که حتی تمام شهرها محاصره

- آقای بنی صدرا یک دید این سؤالات را در برابر مردم قرار دهد. از مردم سؤال بکنیم مردم ما روزی آزاد شرابی می که هنوز امپریالیسم در ایران پایگاه دارد، شما حاضر به خلق صلاح هستید، در شرابی که هنوز سایه داران و مرجعین در راس قدرت قرار دارند آیا شما حاضرید که سلاح هایتان را تحویل دهید، در شرابی که ...
- در همینجا اعلام میکنیم که خلق صلاح عمومی، خلق صلاح مردم، خلق صلاح نیروهای انقلابی یعنی خلق صلاح انقلاب یعنی بازگذاشتن راه برای تحکیم سلطه هر چه بیشتر امپریالیسم.

نشد بهیچوجهی شهرتندج همانطور که دیدیم امروز هم در روزنه ها میا خواتند و اختیالات در آنجا ملای شده، به دلیل سفره نبودن جوآرام. در همین جا باید تاداره بکنیم به خیانت و سازشکاری که از طرف حزب دمکرات دارم و می گرد. حزب دمکرات همانطور که میدانید با پیشنهاد کردن ۶ ماده در برابر طرح ۲۶ ماده ای هیئت نمایندگی خلق کرد، هدفش سازش با ارتجاع است و این میتواند ضربه بسیار سیسار سنگینی به مبارزات خلق کرد بزند. ما در همین جا از همین تریبون این توطئه سازشکارانه و تریبیکارانه را محکوم می کنیم. ننگ بر سازشکاران،

حاضر به خلق صلاح هستید؟ در شرابی که زحمتکشان و خلقهای قهرمان ایران به خواستهای خود رسیده اند، آیا شما حاضر به خلق صلاح هستید؟ به مردم کردستان و خلق ترکمن بگوئیم در شرابی که ارتش و سپاه با سداران و لشو و ادلهای مسلح شما را سرکوب میکنند، حاضر به خلق صلاح هستید؟ در شرابی که انقلاب ما در همان گام و لش متوقف شده و باید تاداره بهر قیمتی گذشته ادا می داد آیا شما حاضر به خلق صلاح هستید؟ جواب روشن است، نه، نه، نه، میلیون بار نه! (حافزین فریاد می زنند: نه، نه، میلیون بار نه!) ما در همین جا اعلام میکنیم که خلق صلاح عمومی خلق صلاح مردم، خلق صلاح نیروهای انقلابی یعنی خلق صلاح انقلاب، خلق صلاح نیروهای انقلابی یعنی بازگذاشتن راه برای تحکیم هر چه بیشتر سلطه امپریالیسم. خلق صلاح نیروهای انقلابی یعنی آزادگذاشتن دست مرجعین و مزدوران امپریالیسم برای ادا می توطئه و خیانت، خلق صلاح نیروهای انقلابی، خلق صلاح مردم یعنی بازگذاشتن راه برای خلق صلاح مردم به دست ارتش و سپاه داران، خلق صلاح نیروهای انقلابی یعنی خیانت بخون شهدا، خیانت به انقلاب و خیانت به آرمان زحمتکشان، خلق صلاح نیروهای انقلابی یعنی نابودی انقلاب و دست آوردهای آن، یعنی بازگشت به شرایط قبل از قیام. برای مردم ما تجربه تلخ ما همدین مشروطیت و تیر خوردن ستارخان قهرمان و وفات او و شکست انقلاب مشروطیت با بدترین آموزها، برای مردم شکست جنبش ملی معدی که مردم را مسلح نکرد و طبعاً نمی توانست مسلح بکند، با بدترین تجربه بزرگی با شدد و مورد اینکه سلاح در دست چکشی با بددا شد. طبعاً بنی مدرو و بنی مدرو می توانستند توافق با شد، بهیچوجه، ما هر دو نقطه مقابل هم قرار داریم و ما از این بسیار بسیار طبیعی است. چرا که هر یک به زبان طبقاتی خویش می گوئیم. زبان ما زبان طبقه کارگر و زحمتکشان است و از ما زبان بنی مدرو و بنی مدرو چون بنی مدرو زبان سرمایه داران و مرجعین و مزدوران و جاسوسان است. و طبعاً بنی خواست ما و خواست بنی صدر از این طبعاً آسان اما فله است. ما متفقدیم که سلاح با بدترین مردم و انقلابیون باشد و طبعاً آسان اما متفقدیم که سلاح با بدترین ارتش ساز باشد. آیا میزری و سپاه با بدترین تحت فرماندهی ارتجاع و لشو و ادلهای، ... با ندما متفقدیم که سلاح با بدترین نیروهای انقلابی و ارگانهای توده ای باشد. نظیر شورا های دهقانی ترکمن و روستا بر آن و طبعاً آقای بنی صدرا این مسئله مخالفت

ارتش شما چه ارتشی است؟!

ارتش شما چه ارتشی است، همان ارتش ساز سازی شده آریا مبرری ما همان فرماندهان، با همان سیستم و با همان بافت، مگر بدیشی و زبردادی شما نبود مدنی که بود؟ توده های ما آگاه شدند، اینها را می فهمند و اگر روز اول تفهیم بودند، حالا فهمیدند، مدنی به اختیار و مزدور می گوید و یک مردم مدنی و میهن پرست بود. آری، اینها هستند فرماندهان ارتش مزدور شما. آقای بنی صدرا چه جعفر هست پس این ارتش و ارتش آریا مبرری؟ چه جعفری هست پس این آقای مدنی شما و آقای اوسبی و از هاری؟ آقای فریدریش قلی شاد کتانی نوشته سراسر تیر و تیر از زبان قلدر به عنوان یک میهن پرست واقعی. یک میهن پرست واقعی! واقعاً سفره است. ننگ بر شما، ننگ، مرگ بر شما (جمعیت حاضر

آنها که زمان شاه مخالف مسلح شدن خلق بودند، امروز خواستار خلق سلاح آنند!

● راهیمایی ۱۸ اسفند ماه

● راهبیمای سه شنبه ۱۲/۲۱

www.peykar.org

نقش معلم در انقلاب اخیر میهن ما و نیز در قداوم انقلاب در آینده

بهران عمل مینمود. چهارمهریان و انقلابی
اورا نه تنها خلق میارما که در راه آزادی
آنها جان باخت، بلکه بموس ناگردان... و او
هیچگاه فراموش نمیشد.

رژیم متفکر پهلوی که معلمین میارما
را با شیوه های فاشیستی از اخراج و تبعید
گرفته تا زندان و اعدام، تحت فشار قرار میداد
و هر حرکت پیشروشی که در جهت گسترش آگاهی
و راهی از یوغ ستم سرمایه داری وابسته
بود، لگام میزد اما معلمین میارما در برابر
این خودکامی های رژیم هیچگاه از پستی
نخستند. مثلا وقتی دکتر ابوالحسن غانعلی
معلم میارما در دست مزدوران محمدرضا شاه در
روز ۱۲ اردیبهشت سال ۴۰ شهید شد، معلمان به
نظارات تعلیمی دست زدند و سگوت ناآرامی از
فلقان دیکتا توری عمال آمریکائی در ایران
را با فریادهای که طلبان نهان نکشتند.

معلمین آگاه و ستم دیده ما که سالها تحت
شرایط بد اقتصادی زندگی کرده و فشارهای
و مشکلات را بهر بیخ و بوم میارما را با پوست
و گوشت خود حس می نمودند، با صبر و حوصله و
فلسفی آکنده از عشق به نوده ها، در کلاس های
درس به فاش گرایی جنا پات و جیا و لگربهای
رژیم شاهنشاهی میباردا خندید با نوسندگی
و سخمی نوشتن کتا بهای کودکان که با زبان
روشنی از زندگی ستبار و زحمتکاران وطن ما
است، کینه عمیق خود را نسبت به هیئت حاکمه
فد خلقی به شاگردان خود منتقل میبا خند و
این در حالی بود که مزدوران ساواک هر حرکت
و اعتراضی علیه رژیم را ا زدم های هرا سان
- شان می گذارند و هر صدای برحق را در
کلوغ می کردند.

معلم در کنار توده در میدان مبارزه

از سال ۵۶ سید محمدی آغا زوگتشر ش
جنش توده ای خلق ما نا هدر حرکت هر چه فاشتر
معلمین میارما در انقلاب بوده ایم. با آغاز
سال تحصیلی سال گذشته (۵۸ - ۵۷) و اوج -
گیری و رشد جنش فرهنگیان، آموزش و پرورش
در دستبرد متدابعا و عده بهیودمدارس و حسل
مشکلات منفی - اقتصادی، حرکت انقلابی
فرهنگیان را متوقف سازد. دولت "آشتی ملی"
شریف امامی میخواست معامله کند با افافه
کردن حقوق و مزایا جنش فرهنگیان را برآهی
منحرف سازد که خود او را با ن آمریکائی نشان
میبا خند، اما معلمان میارما که سالها فشار
سیاسی و اقتصادی را بردوشهای خود حس
نموده بودند، نشان دادند که دیگر فریب نترسند



- های رژیم حاکم را نمیخوردند و این رفهرها ی
موزرا نه هیچگاه نمیتواند تا نا را با ش با
مزدوران رژیم بکشد. در نا رخ سوم مهر ما
حقوق معلمان با زشتن ۱۱ فرایش دادند که
معشش ححق اسکوبادان به بخشی از معلمین
چیز دیگری نمیتوانست باشد. از همان آغاز
سال تحصیلی اعتبارات منظرو رورس در معلمین
و دانش آموزان شروع شد. لازم شد که است که
در شهران معلمین نوای ۷ و ۱۹ نقشی
از ندهای در شکل گیری این اعتبارات
دا شدند. دیگر همه جا تا معلمین و دانش آموزان
در کتا رهمریدان میارما میبیدیم و این
خودنشا نگرا به رگا نیک این دوشتر با هم
بوده و نیز متا تر از کارسیای و آگاهی دهنده
معلمین میارما توده های دانش آموزان
چهارشنبه ۱۲ مهر ما در روزنا به ما میخواستیم
که در دبیرستان پهلوی (با بق) کتا ن در دزد
خود ما موران انتظا می با دانش آموزان ۲۵
نفر دانش آموزان موزموجر می شوند. در یوگان یک
محل ۱۶ ساله شهید میگردد. چندی بعد غور
دانش آموزان دبیرستان - ارضا تهران نو در
کلاس درس غاری می شود. در بر و جرد از همان ۱۵
مهر اعتبارات بطرز بسیار باقی عمومی شده بود
دهای از معلمان میارما این شهردستگیر
شدند که بعد از آن تخمین فرهنگیان در داد -
سرای شهر آغا زشد. را بهیما ش ۲۴ مهر ما
۳ هزار نفر (فرهنگیان) (موزما مع فرهنگیان)
نا تگر هر چه بیشتر اعتبارات جنش فرهنگیان
میهن ما ن بود. خواسته های توده معلمین از
محدوده مسائل و مشکلات اقتصادی و صنفی به
عمره کما سیاسی ارتقا یافت. بطوریکه
با شروع دولت نظامی و جنا پات را زهای
خواسته های معلمین ل فو حکومت نظامی در
سرانگشور، از ادای قلمرو مطوعات، تنگنسل
کا نون مستقل معلمان، از ادای دانش آموزان
و معلمان زندانی، از انحلال واحدهای فاشت
در ادارات آموزش و پرورش و انحلال مجلسین
بود که تنگنای دیگری را در پیش پای رژیم
گذاشت و چون دولت خود را فا در دست گرفت
فرهنگیان ن سیدیدر نا معاطلی مدارس
سرانگشور را با لگربدبا بانک میارما معلمین
ما در این زمان دارای شکل و ساماندهی
لازم بودند. با انحلال صنفی حرکات توده ای
مستقل سیاسی خود را اندا داد از آن حمله
اجتماع عظیم معلمین در دست زها در تریا
فلقان بلیمسی و سترار بهیما ش مشکل و مستقل
معلمین در روزا ریمین را میتوان نام برد.
در این دوره همزمان با رشد و گشت
میارما در زات مردم دشت با رژیم جدید دشت
بطوریکه در آرمای درارو بهیودمدارس و فرماندار
آذربایجان غریب معلمی موزری را با بستن
به ما شین ارتش و توقف کردن و چند روز بعد
استاد ما زکما موران تحت تاثیر الهی در فرسان
تخمن استادان دانشگاه ما در بار خشان وزارت
علوم متوسط مزدوران امیرالیم امیرالیم
شهید شد. چندی بعد یکی از معلمین بر و جرد
بنام "نیا تها" میارما مردم در جریا با شین
کشدن مجسمه شاه ش توشط ما مورین رژیم
شهید شد.

(۲) - دبیرستان کمال توسط دهی ای از
افراد مذهبی مخالف دیکتا توری شاه (ونیه)
رژیم فاشیستی نشان میدی با رگران، "بدا الله
سما بی در سال ۳۷ تا سس دولتی جزا کید بر
آموزش های عال ص مذهبی، آژانک شیکه
گردا بندگانی مددنا ا رلیبرالیها - بودند،
کا نوسی شده بود برای بعضی مناصری که
میبا شدند خیلی آرا موزمتر ما (!) اوسی -
در سرما رزه کشد. مثلا الله سما بی (وزیر
منا و دولت با زرگان) حتی برای اینکه ربا
همسا واک را نا رخت نکند، مکتا شاهن در
جرم اما موزما را در افش زده بود، ما مثلا
آقای با هتر (مفوضی) انقلاب محمضوری
الامی که در کمال آژادی با ورا ت موزش و
پرورش رژیم شاهنشاهی در زمینه تهیه کتا ب -
های درسی (ظا فوش) - همکاری می نمودند.

میارما زات سیاسی معلمین میارما و زولطان
به گذشته های دور و حتی بعدا از انقلاب مشرو -
طیت بر میگردد. در میارما زات فدا ستیدا دی و
فدا میرا لیستی شده خبر، معلمین میارما ز
بسیاری بودند که در میارما بل خود سری های
لاطین قا روجا و طلبیهای طبقات حاکم و
داخلت قدرتها ی سلطه گرو سیمه تزاری و
انگلیسی قدرتها را شته و پیوسته شور میارما رزه
روحیه مقاومت و از خود گذشتگی را در دل و جان
نا گردان خود دیگر افراد ما معزنده و رورسین
نگا میدادند. مثلا در زمستان سال ۱۳۰۰ شمسی
هنگامی که اعتبارات کارگران نا توانی و
چاپا به نا و کارمندان و کارگران بست شهران
اوج گرفته و به هیئت حاکمه وقت فشار میارما ورد
اما به لحاظ ضعف سیاسی - تنگنایلی این
صنف ها اعتبارات کا ملایم اعتبارات فاشت
بوسله اعتبارات معلمین به درجه سیاسی ارتقا
یافت. فقط اعتبارات معلمان مدارس ملی
در آونیه ۱۳۲۲ تا ۲۱ روز طول کشید سرما
صورت سیاسی در ترم موجب سقوط کا بینه
فوا و ا لسلطنه گشت (۱) در طول سالهای
۲۲ - ۲۰ و دمگراسی ناقص این دوره نیز
معلمین میارما زرا انقلاب فدا میرا لیستی
مردم ایران نقش ارزنده ای ایفا کردند.

با تحصیل فرهنگ و ادبیات امیرالیم لیستی
که خود نا تری از تسلط اقتصادی - سیاسی
امیرالیم لیستی جای بیخوش آمریکا و
انگلسان میشد، سیستم فرهنگی ما بصورت یک
کارخانهدرآمدنکها بستی ابرار و خوراک
ما شین سرمایه داری وابسته را تولید کند و
کارنا زرمایه های امیرالیم لیستی غارتگر
شود. هموار فرهنگ تحمیل و تحمیل توده ها که
از طرف رژیمهای وابسته تبلیغ میشود معلم
نا گردان را به خود میبندد و نا را میبوسر
فرافیری مفا هم "دانش" ها میبندد که به
تکلیف پای بهای سرمایه داری جای نا تنگ
کند. تا زحمتکاران این استثمار دشگان و
مخروبین تاریخ را بستند که کتا ل اگرما
زحیر بر دگی و تلاق و زور و اربابا بنمیشود در
دوران استقرا نظام سرمایه داری، خیلی
موزبا نه تری بیشتر ما تریا "ما شین" سرمایه
اجا شود. امیرالیم لیستی که بهیترفته -
ترین دستاوردهای اخلاق بشری را در راه غارت
هر چه بیشتر فلقهای جهان به کمک میگردد. می
کوشد برای رسیدن به مقادش از یوشی خوش
آب و رنگ بنا مترویح "علوم دانش" استفا ده
کند.

درجا معما که شکل بندی اجتماعی -
اقتصادی غالب نظام سرمایه داری وابسته
تنگین میدهد. معلمین ما بهیگا و طبقاتی اش
که عمدتا از خرده بورژوازی است، دارای یک
شخصیت دوگانه است. بخشی، اندک از معلمین
ما بدلیل وابستگی به منافع خرده بورژوازی
مرفه و طبیعتا ر دشمنیهای انتحرافی غرده -
بورژوازی و نیز فریفتن در گرداب لیبرالیم
در کارزار میارما زه بین زحمتکاران و استثمارگران
به صف طبقات حاکم و تینجا فدا انقلاب می -
پیوندند. در میارما بل بخشی دیگر از این صنف
بنا به نزدیکی شرایط عینی زندگی شان به
زحمتکاران جا مع و همچنین رشد نا بط ذهنی
آنان و داشتن امکانا ت کسب دانش سیاسی
بطرف زحمتکاران سنگیری می نمایند. این
بخش از معلمان به زحمتکاران جا مع تا بهیسل
دا رند و بیش و ذهنتان و ملهم و متفکران از رنج
و در دنا هاست و از کتا ل درس بمعنا ن سنگری در
میارما زه عروسکان سرمایه جی، در میارما زه
علیه غلامان تکلیف ما مع سرمایه داری - در
میارما زه فرهنگ فاش و فد خلقی بورژوازی،
در میارما زه علیه ستم طبقاتی و فاش حاکم در
جا مع و بطوریکه در میارما زه علیه امیرالیم
فد شروپا بگا داللی ان یعنی ارتجنا ع
استفا ده می کنند.

تا ریح میارما زات فدا میرا لیستی

(۱) - استادان ریخی جنش کارگری - تا نا
- علما تیراده

www.peykar.org

شماره ۱۰

با زهم...
افروزا و درصوف خلق که مرغان درختان اهدا
ایمیرا لیستها بوده است بجان حسی از
وقا ح رسد که در روزهای اول پس از قیام
همین اولین حرکت علیه نیروهای انقلابی
کمونیت را در دشت ننگا تهران انجام داد
راه انداختن یک داروستانه لایزومرتجع
خواستار سرچیدن مراکز انقلابی شد که
سایه در میانه رژیم وابسته امیرالیم
شاه میانه کرده بودند.
حمله به ستاد میجا هدین خلق در خیابان
ممدن، رهبری حملات خدا انقلابی علیه نظام
مجاهدین خلق و خانواده های شهدا در داد -
کستری و اقدامات متا به دیگر ارتگردهای
دیگر این کاندیدا ی حزب جمهوری اسلامی است.

علی محمد بشارتی جهرمی

اوتیزیک دیگرا زکاندیدا های حزب
جمهوری اسلامی است و فرار است سر از ضد ق
شهرستان جهرم میروند آورد! او در دوره
خلقان پس از ۱۵ خرداد، معلوم عقب مانده ای
بود که از زمان رژیم پهلوی در حدسار محدود و
معلی هم مرا با داشت و دل خود را به تشکیل
انجمنهای مذهبی داشت آموزش و تشکیلات
مجلس مسئله کوشی و رومه خوانسی خوش
میکرد. او بر خلاف سندیدست آمده از او که
او را غوغا هدین میدانند، هرگز نه عضو
مجاهدین خلق بوده و نه حتی هوادار آن پس
از سال ۵۵، چون شهرتی مجاهدین
ایرانی و جهمیل او بوده برای مدتی دستگیر
میشود اما بعدها با حتی که از خود نشان می-
دهد و راهبها را با او واک میاندازد. پس از
آزادی او زندان به همکاری با او واک مشغول
میشود ولی فیه برای کسانی که با او سر و
کار دارند مشکل می ماند.

با روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی
در سبب این معامی کسب میکند و هدست
با محمد غفری کشته ارتجاعی خود را با دستگیری
فرزندان آیت الله طالقانی نشان میدهد
این جز اولین اختراعات او است! او با
استفاده از موقعیت با او ورده اش خود را به
انطور که او نموده (یعنی ما موسا واک و
دشمن انقلابیون) بلکه فردی بسیار نزدیک به
آیت الله خمینی معرفی میکند و عکس خود با
او را تکثیر کرده پیش این و آن میفرستد
سواست گذشته اش روشن شود! او مدتی هم برای
منا و کت قضا لشر در سرکوب خلق بهرمان کرد
با داشتن یک پست دولتی به کردستان مسرود
(هما نظور که محمد غفری به ستاد ناری حور -
ستان منصوب شد) حالا با استفاده از قدرت
حزب فراگیر "جمهوری اسلامی" با ایجاد حور
سپاسرا خنثی از مزدور شهر حرم کمرنگ
مرتجعینی که در سرکوب نیروهای انقلابی و
توطئه علیه مردم میاز، از صبح اقدام در دلبانه
- ای خود را نمیکنند خود را کاندیدا ی
نمابندگی مجلس کرده است.

استاد دجها رفیقه ای فیه، افشاگرانه تر
از آنست که بتوضیح نیاردا شده باشد. مبارز-
ان توده های زحمتکش خلق امان چندانی به
آن حزب و عاملش نخواهند داد دوسریا لهدا ن
خواهند افکند.

آنچه گفته شد مبتنی است نمونه فروار آن
حزب را چنین کاندیدا های سزا ست، وجهه سا
"مجلس شورای اسلامی" تا با ن را نیز چنین
کاندیدا های. اما مسلماً انقلاب توده ای و
خونین خلقی است ضد پهلوی ایران را نظامی
دیگر، مجلسی دیگر، حزبی دیگر و رهبری
طنبی ای دیگر باید!

پیروز با دنیا زوات خدا میرا لیستی -
دموگرا نیک خلقی ایران، به رهبری
طبقه کارگر در راه سوسیالستی جمهوری
دموگرا نیک خلق

تقدیم به خلق عرب ایران

سرودهای پیوسته برای

پوتا

امروز خسته بودم پوتا!
امروز خسته بودم.
صبح که آمده بودی
می دانستی خواب نمیشتم
اما مدام کردی.
نگاهم دادی پوتا!

فرماندهان مزدور در پی شناسائی و دستگیری پرسنل مبارز نیروی هوایی هستند

ن نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران (اداری، آمار

به: فهرست گیرندگان مراجعه شود

در باره آمار پرسنل ۱۹-۳۴، ۸-۱۰۱
۱۳۵۸

بفرموده دستور فرمانده صورت اسامی و مشخصات کامل
پرسنل آن یگان را که در حین دانتگاه ترک داشته و دارند
و همچنین مورت اسامی محرکین شناخته شده رانان تاریخ ۱۳/۱
۱۳۵۸/ با همکاری ارسال دارند.

معاون اداری فرمانده نیروی هوایی، سرهنگ ستاد فوقانی

گیرندگان:

فرماندهی (پدافند هوایی، لجستیک هوایی، پشتیبانی مرکز،
آموزشهای هوایی، ارتباط و الکرو نیک، پایگاه یکم شکاری،
پایگاه یکم ترابری جت آگاهی و هرگونه کابایسته.
هنگ هواشناسی، گروه اطلاعات و شناسائی، بهارستان مرکزی
جیت آگاهی و هرگونه کابایسته.

حاج دوم نفوس سیاسی که از طرف سازمان تهیه شده است، منتشر
شد. از مسدود کردن حاج برخی اطلاعات لازم عمل آمده است.



۱۳۵۹
۱۹۸۰ ۱۹۸۱

تیماس ۲۴ بهمن
تخصیص سالگرد

قیام سلطانه خلقی ایران

سازمان مبارزه با تروریسم

مدای شو
چشم راه عقب ساهلیتی (۲) و دیوارهای حصری
کشود

مدای شو
تمام راه در گوشت بود.
مدای سورا را در از ترکرد.

★
نمی دانم چه وقت خوابیدم
با دم هست که تو پیدا ر بودی
با دم هست "طیسه" را شردادی
و خوابیدی

چقدر شیرین و شیرین لازم است!
چقدر شیرین و شیرین عادی ست.
شیر شو

هیجوت نام نمیشود پوتا!
مثل سمی (۲) سرلین (۲) های احمد آباد است
مثل سمی سرلین های احمد آباد
با این تفاوت که از سمی شود مثل آب گرفت
اما

شیر شو
قطره قطره می آید.

اگر می توانستی مثل سمی شیریدی
هر صبح
در گوشت های ترکی (۵)
فریادی دم

- ای شیر!

شیر تازه!
شیر پوتا!
همیشه زبانی هستند که نمیشکستند پستانهاشان را
داشته باشند.

★

فقط بکار بگو!
فقط بگو "طیله"
خواب من سنگین نیست.
چطور بگویم که من همکار خواب نبوده ام
همیشه اما

خواب دیده ام:

کیسه های برنج
کیسه های آرد
روغن، نخود

لوبیا
پوتا!

همیشه خواب دیده ام

خواب هرگز که نتواند

دانی اسالت را

از پای برهنه مان بگیرد.

★

هشک بدر را بهتر از نومی شناخت
و هسک بهتر از نومی نوا ندیکو بدقتی پدرمرد
ما چقدر بیشتر شنیدیم

آه....

پوتا!

پوتا!

پوتا!

مدای شو

اما

مردم ها را پیدا ر نمی کند.

★

امروز خسته بودم پوتا!
تو هم خسته ندی.

شنود هفت پیش هنوز روی دشمنان مانده است (۶)

شیر تازه پوتا!

همیشه زبانی هستند که نمیشکستند پستانهاشان را

داشته باشند.

پستان را در دهان خواهرم بگذار!

بقیه در صفحه ۲

(۱) - مادر (درامل عری با اماه = مادرم!)
(۲) - طلی
(۳) - فتاری آب
(۴) - کوجه

(۵) - منظور جمله ها نیست که مخصوص کارکنان شرکت
نفت است.

(۶) - زبانی عرب، غیر از رفتندگی خرما و سبب -
رسمی و بیازو... در باره، گاه نیز تر میمانند
و روی سرشان در شهر می گردانند.

برای انقلاب نیمه تمام



هنرمقاومت هنرپرولتری

لنینیسم در هنر

ولی چه کار، نگاه کن!
مدای سنگین و استوار قدمهای انقلاب میاید
انقلابی که برپا نهاده باش برچمی سرخ و راستین
در اهتزاز است،
و در پستان پیش تو دهه‌های کیهان پیش میاید
کسی که از همه فریادها بلندتر است
کسی که هیچ بیموهری ندارد
کسی که به گلوله‌ها پشته می شود اما نمی میرد
کسی که می گویند پنده از آن اوست
به پیش می آید.

کسی که با ماتی استوار
در پستان پیش انقلاب به پیش میاید
کسی که تا پیش پرولترای ایران است
کسی که با خون
سردیوارهای میهن، من و تو
می نویسد
و آنچه را که می نویسد
در پستان قدمهای انقلاب فریاد می زند:
زنده باد آزادی!
زنده باد استقلال!
زنده باد انقلاب دویار!
۲۰ بهمن ۵۸ (ک)

بیکال از قلم می گذرد
بیکال از نبرد خون کا رگران
نبرد خون دهقانان
نبرد خون شوه‌های کد زنا را
کا و دهنگر و "حیدر" اند
بیکال از نبرد خون و شهادت می گذرد
بیکال می گذرد، اما،
خبا ن پستان دیرینه و سازگران
خبا ن ت پیشه
که بقدرت خیزده اند،
اینگ از ریسکاری خویش
از اساد سازش و خبا ن ت خویش
مدال افتخار می سازند،
و بر انقلاب می تازند.
بیکال می گذرد، اما،
مطبه‌های استورده میهن من و تو
فریادهای فقر
فریادهای خون
فریادهای اسارت و تحریمی خواهند.
بیکال گذشت

لنینیسم در هنر، مفهوم متمرکز هر چه
بیشتر، هنر را علیه بورژوازی است.
"تحرک" را این نظر که از هنر، به سمت به یک
زواجا نل اکا کرا به سیاق و سبب خویش در
زواجا نه پرولترایا، به یکا و مفا می درخور
می یابد به پرولترایا ای انقلابی می-
کند که ما رز نه مند خود را علیه همه، خواب
نظام کیهان، از جمله علیه ایدیه‌های بورژوازی
از هنر گسترش دهد. لنینیسم در هنر، به پرو-
لترایا کمک می کند تا در انجام امر آزادی،
از هنر بطور اکا ها نه، جهت برپا نکنن حسن
آشتی تا بدیری، جهت پیدا روشنه و روکندها-
شن عواطف گشته‌نورا نه نیست به همه عواطف
جامعه طبقاتی در میان طبقات استعمار
شونده، به پروتاری نماید. و نتخوا زمان
با همه، از نشا خنی درونی نسبت به روحیات و
کیفیات طبقاتی کوناگون برخورد را نشود.
لنینیسم در هنر به سمتی است، از نشا، هنر به مرحله
ای عالی تر، به مرحله برخورد منظمی ما را-
کمیستی یا موقله، زیبایی شناسی، به معنای
ارتناء، هنر و ادبیات از قلم لنینی خود بخود،
به بخشی از قلم لیت حزب کمونیست در راه به
اجا برساندن رسالت تاریخی پرولترایا
در راه سرنگون کردن نظام فرسوده بورژوا-
زی، در راه دگرگون کردن جهان، در راه
بیشتر بردن انقلاب است. آری لنینیسم
اجتناب می کند که در دست به سبب سنت و تجارب
تاریخی خود، به هر گاه با موفقیت و اهما خود
را می کند و در اسباب فکری و تزلزل راضیان
طبقاتی تحت ستم و اسباب فکری آسان
فراموشی آورد، جای شعب نیست که تمام
آن روشنگران ترس خورده از پرولترایا،
تمام آن روشنگران بیگانه از مبارزه
طبقاتی پرولترایا، تمام آن روشنگران
که قلم لیت دهنی خود به سمتی افروشن هر
ادبیات، بر این باورند که با لیت نخعی، در
"مالکیت" خویش احساس می کنند، بر دلی و
تا توانی شان را در پیوند با افروشن
توده‌ها، در پشت ظواهرات تخیلی میزنند
به لنینیسم در هنر پنهان دارند.

اهمیت لنینیسم در هنر، به سبب در تلیح
پرولترایا به آموزش مارکسیستی در ایس
خود را قلم لیت اصحابی است. مارکسیسم
در دوران اولیه زندگی خویش که در کسیر
مبارزه‌ای سخت علیه ایدئولوژیهای غیر-
پرولتری بود، نمی توانست بدون حیل
مسانتالاسی فلسفی، اقتصاد و سیاسی،
خود را استحکام بخشد. از ایس رو
مارکسی و انگلس با تشخیص وظایف
پرولتری بکار گرفته شدند، و علم و غیر علم
نوع آمیز خود به درک قانونمندیهای زیستی
شناسی و تاریخی که از لال آنرا تا ن فایل
درک است و از سر آزادی‌های یونان باستان
تا آنرا را لاک و دیگر پنده‌های هنری میایر-
تا نام را در بر می گیرد. کوششی در جهت تدوین
وسان قانونمندی‌های ویژه هنر و نوع ارتباط
آن با جنبش پرولتری بعمل نیاوردند و همه
توان خود را به استکا پگاه نه‌نثوری انقلابی
یعنی مارکسم در زمینه مسائل فلسفی،
اقتصادی و سیاسی اختصاص دادند. لنینیسم
در هنر گسترش مارکسیسم است تا حوزه هنر،
لنینیسم در هنر برسان اکا داده‌ها نه لنین
در زمینه هنر و سمن نوع ارتباط آن با

ادبیات حزبی، لنینیسم در هنر

روبو سونیتها و یوروشنیتها، از سازار
وبا کذا تف گرفته تا تروتنکی و دنیا له روان
خلف آنان رو بو سونیتها، مثل لوکاس
کلانته، تلانی مزور نه به خرج داده اند تا
وا نمودا رند که گویا اندیشه ادبیات حزبی،
اندیشه‌ای و اسگرا یا نه، درکی تا صحیح
و تحریفی چپ روا نه رجا نب، دگما نیست -

لنینیسم در هنر گسترش مارکسیسم است تا حوزه هنر، لنینیسم در هنر برسان اکا داده‌ها نه لنین در زمینه هنر و سمن نوع ارتباط آن با جنبش کارگری بطور مشخصی است.

اینگ که پرولترایا را برای رهبری مبارزات ضد امپریالیستی - ضد ارتجاعی، نیاز به
تجهیز خویش با آیدیه‌ها، ترین ابزار مبارزه در همه زمینه‌ها دارد تا مقدرات خویش را
پیروزمندانه پی گیرد. ما موظفیم برچمد دفاع از لنینیسم را در همه زمینه‌ها جهت
تمرکز هر چه بیشتر مبارزه علیه دشمنان طبقاتی پرولترایا برقراریم.

هاست. آنان بر این حقیقت که نه تنها براس
کل سیستم مارکسیسم لنینیسم بلکه حتی از
طریق رجوع مستقیم به دستاوردهای لنینی
می توان از نشا ت نمود که این ترزا عمل مبارزه
ایدئولوژیک سرشتا نه لنین در جریان مبارزه
برای پیروزی و ساختمان سوسیالیسم بود،
است، بهره‌ای می افکنند. وبا کینه توزی و قاحت
آمیزی به شرا پنده‌های منط خود ادا نه
می دهند. اکنون می گوئیم بطور مشخصی
رجوع به دستاوردهای لنین به این مسئله
با سخ گوئیم.

لنین در سال ۱۲ "توا با زمین در سال
۱۹۰۵ نوشت:

"ما انقلاب نیمه کاره، همه ما را محصور
میکند که همه چیز را براس تشکیلانی
تا زه تدوین کنیم. امروزه ادبیات حزبی

طی تظاهراتی در تبریز جنایت ارتجاع محکوم شد

روزه شنبه ۱۴ آگست به مناسبت اعتراض
به کشته شدن یکی از دانش آموزان (داود
امیراحمدیان) نیز در تبریز چند روز قبل به سمت
شاهج اویا ش و ارا ذل غذا رده و بنده و تللیک
افرا کشته و بسوی مردم، زخمی شده بود، پسگ
را همه را در سطح شهر پرگذاشت. این راه-
پیمایی که توسط دانشجویان هوادار زمان
- های سیاسی مختلف و از جمله از زمان

ستمینا به بخشی از انقلابات جهان پیروشی
عالمترین مرحله رشد خود را از سر می گذارند
و توفانهای انقلاب را می بینند، جهان را به
لرزه افکنده است، بدلیل اینکه ما رگم -
لنینیسم تنها سلاح رها و تغییرناپذیری
جهان، دردوران کنونی محبوب می شود،
همچگاه تفکرات کینه و قسام انحرافات،
ما همتا نمی توانند اندیشه‌های لنینی را در
کل و بطور خاص در زمینه هنر مطلوب سازند و
آزاد بدل به ایدیه‌های کینه‌گشند. بدین جهت
اینگ که ما درگیر یکی از مراحل جدی مبارزه
طبقاتی درجاء معمان هستیم، اینک که از هر
سوی طبقات کوناگون، مجهز به برنده تر بیسن
سلاح‌های خویش به میدان پیکار میروند و
زندگی نهاده اند، اینک که پرولترایا را
برای رهبری مبارزات غذا میرا لیتی - غد
ارتجاعی تنها زیه تجهیز خویش با آیدیه‌ها ترین
ابزار مبارزه در همه زمینه‌ها دارند تا مقدرات
خویش را پیروزمندانه پی گیرد. ما موظفیم
همه آن شما لیم را در فتنه‌ای را که دهمیری
جوانان کنشیده‌ای در برگیرد و غسار رواج
ایدیه‌های بورژوازی پنهان می سود، ارتشکنا
برها نیم و ا همه دستاوردهای مارکسیسم -
لنینیسم در جهت به پیش راندن امرتشریک
پرولترایا بود و جوئیم و برچمد دفاع از لنینیسم
را در همه زمینه‌ها، جهت تمرکز هر چه بیشتر
مبارزه علیه دشمنان طبقاتی پرولترایا بر-
قراریم. آری لنینیسم در هنر نمرده است، چو
که پرولترایا همت، مبارزه طبقاتی و هست و
هنر طبقاتی هم موظف است نقش موثر خود را در
این سنگار عظیم را در پیش بگیرد.

پیکار در راه آزادی طبقاتی رگران، سا زمان
دا ده شد و اسبا استقبال وسیع مردم و پرولتر
را همه با ن شام میدادند: "معمل مبارز"
قسم بخون پاکت، راه‌ها را به ایدیه‌ها و "گفته
بشی مدرکوارا ایدیه، برود قفا و ت کنیبد،
کشتن دا و دیجه؟"
نظا هر کنندگان علم را خلال غسارده
بندان جمهوری اسلامی، بعد از خود را ساعت
را همه با ن قلمنا مدهای خود را اندند
لکن این مزدوران چاقی بدست، "بیکار
نشسته و با اسفا ده از فرمت مناسی که دست
دا ده بود، دفا ترگو رها و تا شجوشی را سه
آتش کشیدند.

ملی شدن صنعت نفت
یکی از دستاوردهای
بزرگ خلق ماست

[illegible]

“سرای سپهر برداری از این امنیاسار
اولین شرکت در سال ۱۹۰۳ تشکیل شد
ولن در سال ۱۹۰۹ شرکت انگلیس و ایران
تمام حقوق و تعهدات ناشی از امتیاز را
از شرکت اولیه خریداری نمود، و خود
عهده دار گردید” (۱)

وزارت برداری انگلیس پس از آنکه

● دولت ایران در مقابل دریافت ۲۰ هزار لیتر استرلینگ حاضر شده که اداره همسفر گمرکات کشور را مدت ۲۰ سال به «رویتر» واگذارند و نیز متعهد گردیده که در آینده امتیاز تشکیل بانکها و ساختمان راهبای شو، خطوط تلگرافی و فابریک و کارخانهها و غیره را در نوبت اول به او بدهد.

در ادامه همین موضوع، کتاب خاطراتش از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۰ را به چاپ رسانده و در آن به شرح جزئیات زندگی و دیدگاه‌های خود پرداخته است. وی همچنین در این کتاب به بررسی تحولات اجتماعی و سیاسی ایران در آن دوره پرداخته است. کتاب خاطراتش به دلیل سادگی و صمیمیت، مورد استقبال گسترده قرار گرفته و به یکی از پرفروش‌ترین آثار ادبی ایران تبدیل شده است.



علت این امر کرمبلی تحت عنوان حقوق رومای اولیه و مبلغی نزدیک به یک میلیون لیره بات مالیات بر عایدات (!!) به دولت انگلیس گسترده بود. به دنبال این ماجرا است که حتی سرپرندگان رژیم اعتراض می کنند و در نهایت قرارداد دلفوی گردد.

دکتر محمد درنق مشرح خوددربخشی از
ستروانی خوددربودن را و دادامزبور گفت :
" ... و تاریخ عالم نشان می دهد که یکی
از افراد مملکت بوطن خوددربک معامله
۱۶ بیلیون ۱۲۸ و بیلیون ریال ضرر زده
ساخته و شاید ما در روزگار تزاری یکی را که
همه گان چنین کند ! " (۱)

... لذا شبه‌ای نیست که لغو مبارزات داری و تعدید قرار داد شرکت نفت جنوب که دستور شخص رضاشاه را حاصل گرفت، خواه تا سال ۱۳۰۱ قمری و زمان دروازه حبس و استبداد برای (که همه این ملات غیبه‌شو بهیچ از آنها را این‌ها می‌تواند داشت بکنار)، در هر حال به‌زبان ملت ایران و مسود استعما و گران بوده، و امیرایا المسم و انگلستان را مدعیان اراج هستی ملت ما و غارت منابع نفتی کشوره میزان و مدت را مدعی از آردا گشت (۲۲)

بعد از سقوط رضا خان و پیدایش آزادی های نو، کارهای موزیک در کشور ما، با افکار موسیقی سابق با یکدیگر متفاوت نشدند و افکار کهنه ای روزنه های نو را در پی داشتند. در سال ۱۳۲۲، روزنه های نو افکار آزادیخواه در برابر بردن آگاهی مردم در مورد مسائل دوره پیش میهای داشت. ولادت سازمان در سال ۱۳۲۳، افکار متحول و ارزش های امپریالیستی انگلیس و فرانسه و بررسی سیاست های متنافع مردم بود. ولی آنچه که مردم از موعظ جلوسگری کردگان آگاهی و حساسیت را درمیان افکار کهنه ای روزنه های آزادیخواه ریزگون و شامی دیگری برای ظهوری درمورد دولت یافتند، همان بود که آمریکا شش و انگلیسها را برای خنثی کردن آن مجبور ساخت که به موزیک و نواز ساز دستنخورا گذاری یافتند و از آنجا به بعد.

ادامه دارد...

(۱) - گذشته چراغ راه آینده است .

(۲) - همان منبع .

(۳) و (۴) - همان منبع .

هفته آینده پیکا منتشر میشود

بدلیل محدودیت امکانات برای انتشار بیگار در ایام عید نوروز بیگار هفته آینده منتشر نمیشود. شمار بیگاریکار روز دوشنبه ۱۱ فروردین منتشر خواهد شد.

در تائید هشداریهایی که داده ایم

علاوه بر این با بدارتحرک وسیع اخوان - المسلمین در سوریه سیزده در شهرهای حما و حمص (شمال سوریه) با دگرگونی در روزهای ۲۲ و ۲۳ اخفداالت بک تورش وسیع را بخود گرفته بود. اینکه ما تحریک اخوان المسلمین را در سوریه محکوم می کنیم نه در دفاع از رژیم بعد انقلابی حافظ اشدیکه برای افشا و محکوم کردن سرروشی است که میگویند با استفاده از رشا دودهای ستمیده عرب با رژیم ادوئمال آن، رژیمهای ارتجاعی مذهبی را با به سرزنی کنند و بنا بر منظره را با لیا بغیر برانند. اخوان المسلمین و گروههای مشابه، مستقماً از سوی آمریکا و سعودی حمایت شده و مشغولند.

پرویز لودی پاکستان، دشمن هر اندازه از لحاظ اسلحه و نیرومند و قوی باشد، ولی چون بر ساحل تنگه دارد، سرانجام نابود خواهد شد. شاه خائن هم تنها بر قدرت اسلحه تکیه داشت و برای همین غافل بود که سرنگونی غلت بارش جهان را به حیرت انداخت.

رهبر «اخوان المسلمین» بقتل رسید

دشمن - هر قزاقی بخواهد برود - منابع دولت سوریه دیروز قتل ماسخند بام از لوت رهبر گروه اخوان المسلمین هفت گشته توسط یک پلیس ارتجاعی قتل رسیده است.

مارشالهای ارتجاعی و متعصبین که تحریکات ارتجاع در سوریه منطقه ها و رما به زانگه اسان با رستمنا زیر سرپوش اسلام صورت می گیرند افشا کرده، رابطه این تحریکات را با امیر - بالسم آمریکا افشا نموده و نسبت به بیابا مد - های آن هشدار داده ایم. در شمار قبیل تحت عنوان "اسراشیل و ارتجاع عرب از تحریک - ایران درس می گیرند"، انعکاس تحریکات ارتجاعی و خطرات آنرا برای جنبش فلسطین بر شمرده ایم و از رابطه بین حزب جمهوری اسلامی و اخوان المسلمین و دیگر گروههای ارتجاعی متکون در کشورهای عربی و پاکستان و غیره سخن گفتیم. اینک دو خبر را که روزنا مسه جمهوری اسلامی در پنجم خرداد ۵۸ خرداد کرده و گفته های ما را تا شد میگذراند و رسم:

اسلام در قلب اسرائیل

پلوریکه از فلسطین اشغالی خبر میسرده، ۱۸ جوان در زدوگاه پناهگاه فلسطینی نورالشمس واقع در دمشق باطن غربی رود اردن بهریم تشکیل یک جنبش مذهبی دستگیر شدند. اسرائیلی ها و صهیونیست ها همه گیر و جهشی شدن انقلاب اسلامی به سخت افتادند. بهرین پس اسرائیل علت این بازداشت را تشکیل جنبشی به تقلید از انقلاب اسلامی ایران ذکر کرده است. رژیم اسرائیل فلسطینی پیش از این به اهمیت نفتی مدیتره در مبارزات سیاسی آگاه شده اند و به همین دلیل برادران ما در فلسطین انقلابی اکنون به مبارزات خود با دستمایهای از اسلام و دستورات نجات بخش آن ادامه میدهند. بوحث افتادن دشمن و قدرت روحی برادران مسلمان ما در فلسطین نشان میدهد که صبح

ارتقاء مقام باقری

این است پاسخ بنی صدر و چمران به پرسنل مبارز

که قبلاً در مسندنا تنگنا تمعن کرده بودند یکی از خواسته های بنی صدر و چمران این فرمانده جانشینا روس میسرده را به مهری بود. امروز در نما می با دگانه و در بین شما می پرسنل مبارز نیروی هوایی از این تسمارنا هشتا می به عنوان یک عمر بیلدنا میسرده میشود. ما چمران با موافقت بنی صدر با ویت دیگتری تسمارنا حفظ سمت قبلی میدهند! آری این است معنی رسیدگی رئیس جمهوری در مورد خواست - های پرسنل مبارز!

از سوی وزیر دفاع ملی و با حفظ سمت: **فرمانده نیروی هوایی، رئیس سازمان هواپیمایی کشوری شد**
سفر سرلشکر امیر بهمن باری فرمانده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران از سوی وزیر دفاع ملی و صورت وزیر راه و برابری با حفظ سمت به ریاستداران هواپیمایی کشوری گمارده شد. حکم انتصاب باری شرمش است. سرلشکر امیر بهمن باری در شرایط استثنای حاضر برای حل مشکلات موجود در سازمان هواپیمایی کشوری بعد از شورت با وزیر راه و برابری و کتب اجازه ارز است جمهوری، جامعاً با ریاست کارداران و نوابی سرست شورت، دست ریاست سازمان هواپیمایی کشوری با حفظ سمت قبلی منصوب میشود. بولفت شما را مثل همیشه در این مشغولت حیان و بهر آرزویم.

دکتر صفی چمران وزیر دفاع ملی



سلاحهای چمران و امل سینه فلسطینی ها را می شکافد کمک هیئت حاکمه ایران به جنبشهای آزادیبخش، یعنی چه؟

واغناگری های متعددی که خبر سرکه در اطلاعات ۲۳ خرداد ۵۸ جاب شده، هم خطرات، چمران و با دوا را برای جنبش انقلابی منطقه سیزده انقلاب فلسطین نشان میدهند و هم با هیئت به اصطلاح کمکی که هیئت حاکمه ایران به اصطلاح جنبشهای آزادیبخش میگذراند می سازد.

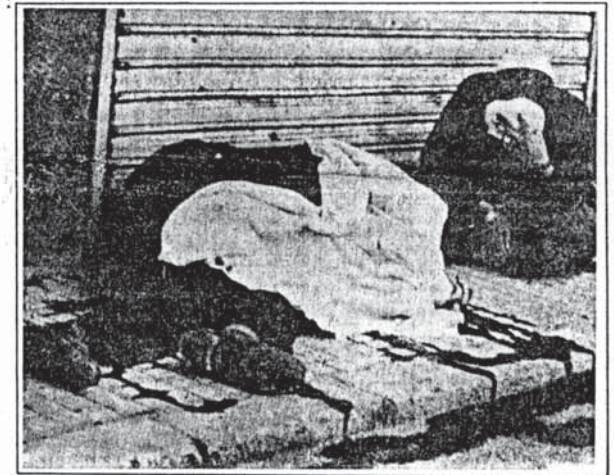
زودخورد خونین مردان امل با کامانهای القح
پیروان اسرئیلین - در زودخورد شدیدی که روز گذشته بین کامانهای القح و جنگجویان شمس مذبح امل، در بخش جنوبی بیروت درگرت دست گیر شده است. در روزهای اخیر، این امریک متوز را با آن اعلام شده است از اید شب پریش آغاز شده است. علاوه بر این، یوگری خونین اسرائیلی ویت در نقاب متکاب پیروان صدای املور ویت و ملیر گولاه شنیده شده.

آیا این است آنچه توده های ستمیده ما را از انقلاب خونین خود انتظار داشته اند؟ آیا توده های انقلابی ما را با ت خواهند داد که قاتلان خلق فلسطین همچنان در ایران سرکارها شده و کشتارهای بیشتری که نمونه اش را در کردستان، فارس، ترکمن صحرا و غیره دیده ایم ادامه دهند؟ چمران و امل دست در دست اسرائیل به قتل عام خلق فلسطین مشغولند تا به اربابان آمریکا شای خود "خدمتی" کرده باشند.

رژیم جمهوری اسلامی، تاکنون سرودهای ربادی در مورد کمکی که به جنبشهای آزادی بخش جهان میکند، سرآه انداخته است. ما همواره اسنادی دروغین را افشا کرده و مرسماً و بطور مستند گفته ایم که ایران (به جنبشهای آزادیبخش جهان، که هم - به جنبش فلسطین هم که روزی با گرفتن اسن رژیم بنا بر مورد حمایت بوده، کوچکتر - کمکی نکرده است.

علاوه بر این ما با رها گفته ایم که ایران نه به جنبشهای آزادیبخش بلکه به خدا انقلاب، به گروه های دست راستی و مرتجع منطقه نظیر امل کمک میکند، تا آنها به انقلاب فلسطین ضربه بزنند.

ما با رها چمران و با دوا را افشا کرده (برای نمونه به یکبار ۱۵ مورخه ۱۵ مسرداد مرا حده شود)، ارتش ارتجاعی و ضد انقلابی با زمان امل که دست پرورده موسی صدر و چمران است صحبت نموده و خطرات آنرا برای جنبش انقلابی فلسطین و جنبش ملی و مترنی لبنان بر شمرده ایم. در شمار ۲۳ مورخه ۱۹ در ما به نوشتیم "امل برخلاف ادعای چمران و ولنا شای، سلاح خود را به سمت فلسطینی تا! و به اسرائیل نشانه رفته است"



اقدامات حاکم ایران علیه نیروهای مبارز فلسطین و اسرائیل با مشارکت فعال امل



راهپیمایی درجه داران مبارز در تهران

روز شنبه ۵۸/۱۲/۲۵ درجه داران نیروی هوایی ضمن یک راهپیمایی در خیابان آزادی نسبت به دستگیری ۳ تن از نمایندگان مبارز خود ستای می، استوار ریما، استوار بائی و استوار شکری، اعتراض و خواستار آزادی فور آنان شدند. آنان در پلاکاردهای که حمل میگردند خواستار سرکشی فرماندهان مزدور ارتشی و منظره تسمارنا دهمر (رئیس ستا) و تسمارنا قری که دروغهای فراوانی را از طریق رادیو و تلویزیون علیه پرسنل مبارز افشا کردند، آنان همس راه - بیما شای اعلامیه های با امای درجه داران ملتان و مستشف ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز منتشر میگردند. این راهپیمایی با استقبال و پشتیبانی مردم مبارز که پشتیبان خواستهای سرخ نظام مناسار هستند، فرا گرفت.

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست